

جایگاه زن در جامعه از منظر اعضای جماعت دعوت و اصلاح کردستان: ارائه سنخ‌شناسی

امید قادرزاده^۱، بهروز محمدی^۲

(تاریخ دریافت ۹۶/۱۰/۲۱، تاریخ پذیرش ۹۷/۰۸/۱۵)

چکیده: عدالت، آزادی، برابری و رهایی از تبعیض و نابرابری در میان انسان‌ها، به‌ویژه میان زنان و مردان، از پیام‌های اصلی ادیان آسمانی و به‌خصوص دین اسلام است. هدف این پژوهش، بررسی رویکرد یکی از جریان‌های مذهبی فعال اهل سنت در کردستان، یعنی جماعت دعوت و اصلاح، به زنان است. روش مطالعه حاضر کیفی است و برای انجام عملیات میدانی از روش مردم‌نگاری و برای تحلیل داده‌ها از نظریه مبنایی استفاده شده است. با استناد به مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته با ۳۰ عضو فعال جماعت دعوت و اصلاح ساکن شهر سنندج، اعضای جماعت با اتخاذ رویکرد نو به مسئله زنان و با اعطای مسئولیت به آنان، رویکردی جدا از سنت‌گرایی ملی و دینی در قبال زنان اختیار کرده‌اند. جریان مذهبی مزبور، با تفسیر جدید از فقه و متون دینی، به دفاع از حقوق زنان و انتقاد از وضع موجود در کردستان در باب زنان پرداخته و رویکرد اسلامی را بهترین مدافع و حافظ حقوق زنان معرفی می‌کند. رویکرد جماعت دعوت و اصلاح در باب زنان و جایگاه آنها در جامعه، بازاندیشانه، اصلاحی و در پی حمایت از حضور و فعالیت زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی در جامعه است. رویکرد اعضای جماعت به زنان ذیل سه سنخ تناسب‌گرایی، سنت‌گرایی، و اخلاق‌گرایی اسلامی تقسیم‌پذیر است. **واژگان کلیدی:** زنان، گذشته‌نگری انتقادی، سنت‌گرایی، اخلاق‌گرایی اسلامی، جماعت دعوت و اصلاح ایران.

۱. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان و پژوهشگر پژوهشکده کردستان‌شناسی (نویسنده مسئول)

o.ghaderzadeh@uok.ac.ir
behrooz_aras@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان

مقدمه و بیان مسئله

از جمله مسائلی که اغلب جوامع طی چند دهه اخیر به صورت تأمل‌برانگیزی به آن پرداخته‌اند موضوع زنان، موقعیت و جایگاه آنان است. مقام ثانوی زن در اجتماع قاعده عام جهانی و واقعیتی مربوط به فرهنگ‌هاست (فریدمن، ۱۳۸۹: ۱۹). مرزبندی‌های هویتی در زنان و مردان در طول تاریخ تحت تأثیر عوامل ذهنی و عینی پرشماری در سطوح خرد، میانی و کلان کم‌وکیف متفاوتی پیدا کرده است. این تفاوت جنبه‌ای جنسیتی هم به خود هم گرفته است، به طوری که زنان اغلب در دوره‌های تاریخی، صرف‌نظر از اینکه متعلق به چه قوم، قشر یا گروهی بوده باشند، در سلسله‌مراتب ساختار اجتماعی و در سازمان‌دهی جامعه، درمقایسه با مردان، جایگاه و منزلت فروتری داشته‌اند (رید، ۱۳۸۰: ۵۷).

در آیه‌های بسیاری از قرآن کریم بر برابری و هم‌شأنی زنان و مردان تأکید شده است، اما در میان اعراب، به دلیل غلبه مردسالاری، که در آیه ۵۸ سوره نحل نیز بدان اشاره شده است، دخترداشتن سرشکستگی و بدبختی برای خانواده‌ها تلقی می‌شد. در میان ایرانیان هم، همان‌طور که رایس به نقل از قائم‌مقامی می‌گوید:

«از مدارک و شواهد چنین برمی‌آید که زنان نقشی در جامعه نداشته‌اند و در عمل چه در سنت و عرف و چه در قوانین کشور جز کنیزانی در خدمت مرد نبوده‌اند. زن در جامعه آن روزگار دچار نوعی رخوت و سستی و سترونی اندیشه بوده است... نقش زنان اجرای نظریات، دستورات و خواست‌های مردان بوده و اینان هیچ اراده و اندیشه‌ای از خود نداشتند» (رایس، ۱۳۸۳: ۱۲).

سوژه زن در کردستان، به دلیل رسوبات فرهنگ عشیره‌ای، با تبعیض مضاعف روبه‌رو بوده و اغلب ملک و دارایی مردان به‌شمار رفته و با کارکردهای تربیتی و عاطفی و بچه‌آوری تعریف شده است. زن غالباً در حاشیه زندگی اجتماعی-سیاسی جای داشته است. این نابرابری جنسیتی در قالب اشکال دیگر نابرابری رابطه‌ای و رتبه‌ای موجود در جامعه اثر منفی مضاعفی بر حیات اجتماعی زنان بر جای گذاشته است و نقش آنان را در فرآیند تحولات اجتماعی چنان کم‌رنگ جلوه داده است که ابوالفضل بیهقی، بزرگ‌ترین مورخ ایران، «مردان را بزرگ‌ترین عنصر سازنده تاریخ» معرفی کرده است (براهنی، ۱۳۵۶: ۱۴).

گردها در نحوه برخورد و مواجهه با زن، تأثیراتی از اقوام هم‌جوار (فارس‌ها و ترک‌ها) و آیین اسلام پس از ورود به منطقه کردستان پذیرفته‌اند، اگرچه درک کینان معتقد است:

«زنان در میان کردها از آزادی به‌مراتب بیشتری از زنان عرب، ترک و فارس بهره‌مند بودند. اگرچه رفتار و برخورد زن کرد آمیخته با نوعی شرم و آزر است، در روبه‌رو شدن با

مرد بیگانه سراسیمه نمی‌شود. زندگی زن روستایی بسیار سخت و ناهموار و آمیخته با کار سخت و سنگین است. درمیان تمام طبقات مردم گرد، زنان از احترام شایسته‌ای برخوردارند و به سخنشان گوش فرامی‌دهند» (کینان، ۱۳۷۶: ۵۲).

بروئین سن (۱۳۸۷)، با آوردن فهرستی از زنان صاحب‌مقام گرد، به موقعیت بهتر زنان گرد نسبت به زنان عرب، ترک و فارس اذعان کرده است، اما این اندک‌موارد اشاره‌شده را هم مدیون موقعیت همسران یا پدران زنان می‌داند. درواقع، به‌دلیل فرارگرفتن قدرت اقتصادی و سیاسی در دست مردان، باورها و عقاید کلیشه‌ای درباره زنان پررنگ است:

«زنان به‌طور طبیعی توانایی رقابت در جهان سیاست و اقتصاد را ندارند، زنان اخلاقاً مجبورند از شوهرانشان اطاعت کنند، یا «خداوند نخواسته است که زنان در بیرون از خانه کار کنند» (شارون، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

نوعی فرهنگ درباب نقش و جایگاه زنان درمیان کردها پدیدار است که نمادها و نشانگان آن تا به‌امروز کم‌وبیش دیده می‌شود. به‌دلیل حاکمیت باورها و ارزش‌های منبعث از عرف و سنت در کردستان، بسیاری از زنان از ارث محروم بوده‌اند و به‌دلیل فشار هنجاری، گرفتن ارث و میراث نوعی داغ ننگ برای زنان به‌شمار می‌آمده است:

«زنان همواره تحت سلطه مردانه بسیاری از حقوق فردی و اجتماعی، آزادی‌ها و امکان‌های برابر را از دست داده‌اند. به‌واقع، در کردستان، زن همواره در عرصه خصوصی و خانوادگی به‌شکل کنترل‌شده محصور مانده و عرصه عمومی و سیاسی به مردان واگذار شده است» (رستم‌پور، ۱۳۹۵: ۴۵).

پیوند سلطه سیاسی و فرهنگ (در ابعاد قومی و مذهبی) با تعریف زنانگی به‌مثابه امری حریمی، خصوصی و طبیعی در تداوم‌بخشی به وضعیت مسئله‌دار و آسیب‌زای زنان نقش بسزایی داشته است.

در چند دهه گذشته، با ورود نمادهای مدرنیته و مخصوصاً آموزش همگانی، تحصیل و رسانه‌های ارتباطی، و به‌تبع آن جریان‌ها و گروه‌های مدافع حقوق اقلیت‌های ملی و دینی در کشورهای اسلامی و در کردستان، درباب نقش و جایگاه زنان بازاندیشی شده است. به‌دلیل مختصات جغرافیای سیاسی کردستان، تنوع در ساختار سیاسی مسلط و بازتاب متفاوت مدرنیته و امواج نوسازی در کشورهای اسلامی ایران، عراق، ترکیه و سوریه، که بخش اصلی جمعیت کردستان را در خود جای داده‌اند، و نیز تنوع در نیروها و جنبش‌های اجتماعی موافق و مخالف تغییر، وضعیت اجتماعی زنان تنوع یافته و گاه ماهیت متناقضی به خود گرفته است. بی‌گمان، ساختار سیاسی و مذهبی حاکم بر کشورهایی که کردها در آن سکونت دارند، در نحوه برخورد و مواجهه با زنان نقش شایان توجهی ایفا کرده است:

«با مطرح شدن جنبش زنان در کشورهای اسلامی، اندیشه‌های مختلفی از سوی فعالان حقوق زنان به‌منظور به‌رسمیت‌شناسی هویت زنان از سوی گروه‌های اسلام‌گرا و سکولار مطرح شده است. این نظریه‌های متناقض، به‌شکل آشتی‌ناپذیری، سیاست‌های رهایی‌بخشی و آزادسازی زنان را از زیر سلطه نظام‌های مردسالار مطرح کردند. مطالعه اندیشه تقاضا برای به‌رسمیت‌شناسی نشان می‌دهد در دهه‌های آخر سده بیستم در کشورهای اسلامی، برخلاف غرب، دیدگاه‌های سلفی، اجتهادی و تجددگرا در کنار هم برسانده گونه‌های مختلفی از اندیشه برای به‌رسمیت‌شناسی هویت زن مسلمان بوده‌اند» (محمدی، ۱۳۹۲: ۴).

در مناطق گردنشین اهل سنت ایران، از دیرباز خوانش سنتی از اسلام، و به‌ویژه تصوف، به‌مثابه جریان مذهبی اغلب مردانه، در پیوند با ساختار مسلط سیاسی و مذهبی شریعت‌گرا در ایران، از جایگاه فرادست برخوردار بوده و با همگن تلقی کردن زنان، تنوع در جایگاه و موقعیت اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی زنان نادیده گرفته شده است. به‌دلیل مختصات سیاسی و مذهبی، حکومت نیز متولی برساختن سوژه زن با توجه به مبانی اسلامی بوده است و هویت بخش دیگری از زنان سکولار و ملی‌گرا نیز نادیده گرفته شده است.

در چهار دهه گذشته، با رشد جنبش‌های فمینیستی، سکولاریسم و فعالیت احزاب سیاسی با گرایش ناسیونالیستی و چپ (دموکرات و کومله)، سیاست‌گذاری‌های فرهنگی جمهوری اسلامی و جهت‌گیرهای مسلط مذهبی، نیروهای اجتماعی و مذهبی همچون مکتب قرآن، سلفیت و جماعت دعوت و اصلاح در کردستان ایران، تکوین و گسترش پیدا کرده‌اند. رویکرد مکتب قرآن و جماعت دعوت و اصلاح در قبال زنان انعطاف‌پذیرند و ماهیت اقتضایی دارند و رویکرد جریان سلفی واپس‌گرایانه است.

یکی از این جریان‌های مذهبی، که بیش از سه دهه سابقه فعالیت در کردستان دارد، جماعت دعوت و اصلاح است که متأثر از افکار و اندیشه‌های اخوان المسلمین است:

«جماعت اخوان المسلمین ایران در سال ۱۳۸۰، بنا به تشخیص کادر رهبری، رسماً به جماعت دعوت و اصلاح ایران تغییر نام داد و از آن زمان به بعد، فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی‌اش گسترده‌تری پیدا کرد. اخوان المسلمین در هر کشوری که سر برآورده است در هیئت یک جنبش فرهنگی ظاهر گشته است، جنبشی که رسالت اصلی و ابتدایی‌اش را تغییر نگرش‌ها و باورهای مردم می‌داند تا تغییر ساختار سیاسی. به‌همین منوال، جماعت دعوت و اصلاح ایران نیز حضور خود را با فعالیت‌های تربیتی و فرهنگی آغاز نمود» (رسول‌پور، ۱۳۹۲: ۶).

افکار و اندیشه‌های جماعت دعوت و اصلاح در خصوص زنان، در مواجهه با گفتمان سکولار، اسلام‌گرایی سنتی و احزاب سیاسی ناسیونالیستی و چپ‌گرا تکوین یافته است. اسلام‌گرایان سنتی مشروعیتشان را از شریعت تغییرناپذیر می‌گیرند و در برابر هر نوع تغییری در سنت اولیه مقاومت می‌کنند. آنها بدون در نظر گرفتن موقعیت تاریخی-اجتماعی، تفسیری انعطاف‌ناپذیر و متصلب از اسلام ارائه می‌دهند که حقوق زنان در آن کامل رعایت نمی‌شود. متفکران سکولار منکر آن هستند که هرگونه قانون مذهبی یا عمل اجتماعی که در مذهب ریشه دارد، بتواند مطابق با عدالت و برابری باشد. علاوه بر این، با در نظر گرفتن مختصات جغرافیایی و سیاسی کردستان، احزاب فعال سیاسی در کردستان ایدئولوژی ناسیونالیستی و چپ‌گرا دارند و از نظر مذهبی به جدایی دین از سیاست و عرفی‌شدن جامعه معتقدند. این مسئله، اسلام‌گرایان و به‌ویژه اجتهادگرایان و جماعت دعوت و اصلاح را به موضع‌گیری و بازاندیشی در باب موضوعات مختلف از جمله موضوع زنان واداشته است.

جماعت دعوت و اصلاح، که از سال ۱۳۵۴ در مناطق گردنشین گسترش یافت، از روحانیان کردی تشکیل شده بود که در حوزه‌های (حجره)های دینی در کردستان عراق تحصیل می‌کردند. یکی از ارزش‌های بنیادین جماعت، اهتمام به خانواده به‌مثابه زیربنای نظام اجتماعی اسلام و اعتلای جایگاه زنان در جامعه در ابعاد فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. جماعت دعوت و اصلاح اهداف خود را فردسازی و سپس اصلاح خانواده و در نهایت جامعه در نظر گرفته است. مسئله زنان و خانواده به‌منزله رکن اصلی جامعه جایگاه مهمی در سیاست‌ها و راهبردهای آنها دارد.

اسلام‌گرایان در کردستان ایران با تفسیرهای نو و منطبق با اوضاع اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه و با قائل‌شدن به تمایز میان فرهنگ سنتی و فرهنگ دینی، به نقد رویکرد مادی‌گرایانه غرب در خصوص زنان پرداختند. جماعت دعوت و اصلاح هم با درک چنین وضعیتی و با رویکردی نو به زنان و با اهمیت‌دادن مضاعف به نقش خانواده در جامعه، به‌ویژه مسائل زنان در جامعه، رویکردی نو و متمایز از اسلام‌گرایان سنتی و فرهنگ سنتی حاکم بر کردستان در پیش گرفته و خواهان هویت‌بخشی به زنان است. با اذعان به نگاه بیرونی رویکردهای سکولار در زمینه جایگاه زنان در جوامع اسلامی، که دستاویزی برای نقدهای شالوده‌شکنانه از اسلام شده است، ضرورت دارد با انجام مطالعات میدانی و از منظر درونی، به واکاوی رویکرد جریان‌های اسلامی در زمینه نقش و جایگاه اجتماعی زنان در جامعه پرداخته شود. بر همین اساس، پژوهش حاضر به واکاوی خوانش و تفسیر یکی از جریان‌های مذهبی فعال

در مناطق اهل سنت و کردستان (جماعت دعوت و اصلاح) درباب جایگاه زنان در جامعه ایران و در میدان مطالعه می‌پردازد.

مرور ادبیات تجربی و نظری

همان‌گونه که در این بخش به اختصار آمده است، پژوهش‌های مهمی درباب زنان و جایگاه آنها در اسلام صورت گرفته است، اما اکثر این پژوهش‌ها به موضوع زنان نگاهی کلی دارند و اغلب نوعی خوانش تاریخی و گاه مقایسه‌ای از مسئله ارائه داده‌اند و کمتر به جایگاه زنان از منظر جریان‌های اسلام‌گرا در وضعیت امروزی پرداخته‌اند؛ به همین دلیل، وجه ممیز پژوهش حاضر، واکاوی خوانش یکی از جریان‌های اسلامی فعال در کردستان ایران (جماعت دعوت و اصلاح ایران) درباب زنان و جایگاه آنان در اجتماع به میانجی روش‌شناسی کیفی است.

دربارۀ وضعیت و جایگاه زنان و نگاه اسلام به زنان مطالعات زیادی صورت گرفته است؛ برای نمونه، می‌توان به پژوهش‌های ذیل اشاره کرد: نگاهی تاریخی به وضعیت زنان در اسلام (واعظی و جباری، ۱۳۸۹)، نگرشی کوتاه به جایگاه زن در اسلام (سلامی، ۱۳۷۹)، و جایگاه اجتماعی زن از منظر اسلام (نصیری، ۱۳۸۱).

صادقی (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان «نگاهی به جایگاه زن در اسلام» به بررسی تطبیقی جایگاه زن در اسلام و تمدن‌های یونان، روم، چین و عرب قبل از اسلام پرداخته و به جایگاه بد زنان در میان اعراب قبل از اسلام اشاره کرده است، تا حدی که زنان خرید و فروش می‌شدند، از ارث محروم بودند و مردم فرزندان دختر خود را می‌کشتند. نویسنده در ادامه، با استناد به آیات قرآن، به تعالی جایگاه زنان در اسلام (حجرات/۱۳) و حقوق شایسته زنان (بقره/۲۲۸) پرداخته و با تأیید آزادی زنان در اسلام، معتقد است که اسلام در بُعد جسمانی محدودیت‌هایی برای زنان قائل شده است، اما همین مسئله، امکان آزادی زنان در بُعد انسانی و روحانی و رشد و تکامل اخلاقی آنها را فراهم آورده است.

فاطمی (۱۳۸۴)، در کتابی با عنوان *تأملی بر مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان، قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران*، به بررسی نقش سیاسی و اجتماعی زنان در تاریخ ایران پرداخته و مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان را، قبل و بعد از انقلاب، مقایسه کرده است. نویسنده نشان داده است که در تاریخ ایران، زنان در امور سیاسی-اجتماعی مشارکت داشته‌اند، اما این مشارکت محدود و پشت‌پرده بوده است.

الیویه روا (۱۳۷۸) در کتاب *تجربه اسلام سیاسی تفاوت‌های جریان‌های اسلام‌گرا و علمای بنیادگرا* در سه محور تلخیص کرده است: اسلام‌گرایان مجموعاً در سه نکته با علمای بنیادگرا

اختلاف دارند: انقلاب اسلامی، شریعت، و مسئله زن. اسلام‌گرایان در کل با تعلیم و تعلم، و اشتراک زنان در امور اجتماعی موافق‌اند. زن اسلام‌گرا زن مبارزی است که درس می‌خواند و حق کار دارد، اما همه اینها با رعایت حجاب اسلامی میسر است.

محمدی (۱۳۹۲) در رساله دکتری‌اش با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی جنبش زنان در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی» نشان داده است که در کشورهای اسلامی، با وجود تسلط فرهنگ اسلامی، رویکردهای نظری متنوع و متناقضی، متأثر از تنوع در ساختارهای سیاسی و فرهنگی، درباب زنان شکل گرفته است. نخست، در کشورهای اقتدارگرا- سکولار (مصر، تونس و مراکش)، بستر مناسبی برای شکل‌گیری فمینیسم اسلامی وجود دارد؛ دوم، در کشورهای اقتدارگرا- شریعت‌گرا (ایران، لبنان، بحرین و امارات) بستر مناسبی برای شکل‌گیری فمینیسم مدرن و پسامدرن فراهم است؛ و سوم، در کشورهای عربستان، کویت و قطر امکان شکل‌گیری جنبش زنان و شکل‌دادن به هویت رسمی برای زنان وجود ندارد. در این مطالعه، به نقش حاکمیت سیاسی رسمی در مواجهه با حقوق و مطالبات زنان در تعدادی از کشورهای اسلامی پرداخته شده است.

رسول‌پور (۱۳۹۲) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشدش، با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی جماعت دعوت و اصلاح ایران و تحول گفتمان آن درمیان اهل سنت ایران»، با اشاره به تحولات دوره پهلوی، که به شکل‌گیری گفتمان ناسیونالیستی، اسلام‌گرا و چپ‌گرا در مناطق کردنشین منجر شد، نشان داد که جماعت دعوت و اصلاح در پاسخ به نیازهای اجتماعی و تفاوت‌های فرهنگی بومی شکل گرفته است.

عبادی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی جماعت دعوت و اصلاح ایران»، که با روش نظریه زمینه‌ای و مصاحبه با ده نفر از اعضای رده‌بالای جماعت دعوت و اصلاح ایران در چهار استان تهران، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی انجام داده است، سه مقوله اساسی نوگرایی سیاسی، نواندیشی در حقوق زنان، و استقبال از دستاوردهای مهم روز را در گفتمان جماعت دعوت و اصلاح شناسایی کرده است.

بروئین‌سن (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «عادل‌خانم تا لیلا زانا؛ زنان در جایگاه رهبران سیاسی در کردستان» با فهرست کردن زنانی که در رهبری سیاسی- اجتماعی کردستان سهیم بوده‌اند، از عادل‌خانم، رئیس قبیله جاف، خانم‌سلطان، خانداده‌سلطان حاکم حریر و سوران (۱۶۴۰-۱۶۲۳)، شمسی‌خاتون رئیس قبیله عمریان و چندین زن دیگر در نقش رهبری قبایل گرد می‌گوید: دست‌یابی یک زن به موقعیت بالا صرفاً با ازدواج یا تولد (زمینه خانوادگی پدری) یا ترکیبی از این دو امکان‌پذیر بوده است و جنسیت چندان مانع جدی‌ای نبود. حتی اگر مردانی

با موقعیت و جایگاه نسبتاً برابر وجود داشتند، یک زن از یک پایگاه اجتماعی بالا می‌توانست، به واسطه جاذبه قوی شخصیتی، موقعیت سلطه را به دست آورد. از قرار معلوم، مردان کُرد اطاعت از چنین زنانی را کسر شأن و منزلت خود تلقی نمی‌کردند و از این حیث، کُردها ممکن است از بقیه مسلمانان متمایز باشند. البته، این صرفاً به این معناست که «تولد در وضعیت عالی» ممکن است نقیصه جنسیت (زن بودن) را برطرف کند و این باعث اشتباه در نتیجه‌گیری می‌شود؛ چنان‌که برخی از نویسندگان کُرد این اشتباه را مرتکب می‌شوند. در حالی که برابری جنسی (یا اجتماع بدون مرزبندی جنسی) فراتر از این موارد خاص گسترش می‌یابد. زنان با پایگاه اجتماعی بالا از نوعی امکان بخشودگی برخوردار بودند، در حالی که این مسئله درباره زنان عادی صدق نمی‌کرد.

لیلا احمد (۱۳۹۱) در کتاب *زنان و جنسیت در اسلام* به مرور و مقایسه نظریات متمایز و رقیب در باب جنسیت می‌پردازد. او نه تنها مسئله برابری جنسیتی را خارج از چارچوب‌های رایج در غرب و کلیشه‌های رایج غربی در باب زنان در جوامع اسلامی قرار می‌دهد، بلکه اساساً حتی دیدگاه‌های غربی به‌ویژه مدرنیته را به‌مثابه طرحی ملازم با رهایی و برابری برای ملت‌های غیرغربی، خاصه جوامع اسلامی، به‌طور جدی زیر سؤال می‌برد. مذاقه در این نکته می‌تواند راه‌گشای دیدگاه‌های تازه‌ای درباره جنسیت در جوامعی باشد که خود را ملزم می‌بینند میان دو قطب افراطی همراه با نتایجی به‌یک‌اندازه سهمگین برای همه گروه‌های اجتماعی و به‌ویژه زنان به انتخاب دست بزنند: از یک‌سو، دیدگاهی که هر نوع بحث از برابری جنسیتی را غربی، غیربومی، و ناسازگار با سنت‌ها و پیشینه جوامع اسلامی می‌داند و در نتیجه می‌کوشد با انواع ترندها نابرابری جنسیتی را به‌منزله امری بومی، پسندیده و سازگار با فرهنگ جوامع اسلامی معرفی کند؛ و از سوی دیگر، دیدگاه افراطی مقابل، که معتقد است برابری جنسیتی و رهایی زنان مفاهیمی ملزم با مدرنیته غربی‌اند که فراگیرند و جوامع اسلامی نیز همچون دیگر جوامع در نهایت گریزی از پذیرش آنها ندارند.

لیلا احمد نشان می‌دهد که جنگ بر سر حقوق زنان موضوعی امروزی نیست، بلکه مسئله‌ای تاریخی است که از دیرباز تاکنون ادامه داشته است. او روایت‌هایی از مقاومتی را به‌تصویر می‌کشد که زنان در جوامع مسلمان از دیرباز تاکنون برای کسب حقوق خود داشته‌اند (احمد، ۱۳۹۱: ۸۷-۸۸).

از نظر یوسف قرضاوی، زن گذشته از حق رأی می‌تواند عهده‌دار منصب ریاست‌جمهوری و عضویت در پارلمان شود. منطق اسلامی بر این استوار است که زن، موجودی کامل و دارای شایستگی کامل است. شایستگی و اهلیت بایستی معیار تصدی هر منصبی باشد و هرگاه مرد و

زنی برای انجام یک عمل رقابت داشتند، باید موفقیت از آن کسی باشد که شایستگی و اهلیت بیشتری دارد. قرضای درباب تفاوت زن و مرد می‌گوید: اسلام احکام خود را بر دو امر بنیادین استوار می‌کند: نخست، حرمت گذاشتن به فطرتی که خداوند در مردم نهادینه کرده است؛ دوم، احترام به مسئولیت هریک از زن و مرد؛ زیرا طبق فطرت، مسئولیت‌ها متنوع‌اند: زن مسئولیتی دارد و مرد مسئولیتی. مرد نه باردار می‌شود و نه وضع حمل می‌کند. زن این کارها را انجام می‌دهد. از این رو، منطقی نیست که زن به انجام کارهایی مانند مرد موظف شود. برطبق این دو نکته، اسلام به زن حق می‌دهد که کار کند، ولی کار در چارچوب شروط و ضوابطی، چون کار باید مشروع باشد، با مسئولیت اساسی زن در قلمرو اصلی‌اش، خانه، منافات نداشته باشد و به آداب اسلامی پای‌بند باشد (قرضای، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

روش‌شناسی پژوهش

به دلیل قابلیت‌های روش‌شناسی کیفی برای کشف پیچیدگی‌ها و زوایای پنهان یک پدیده، برای دستیابی به نظام معنایی و افق ذهنی اعضای جماعت دعوت و اصلاح درباره جایگاه زنان در جامعه از روش‌شناسی کیفی، و درمیان روش‌های مختلف کیفی، از روش مردم‌نگاری بهره گرفته شده است. در روش مردم‌نگاری، به صورت میدانی و با روحیه طبیعی‌گرایانه^۱ و زمینه‌مند^۲ پدیده‌ها در بستر طبیعی‌شان مطالعه می‌شوند و محقق با زاندیش به ارائه توصیفی مفصل از موضوع و جوانب مختلف آن اقدام می‌کند. در کلی‌ترین مفهوم، مردم‌نگاری روشی است که شیوه‌های زندگی نوع بشر را توصیف می‌کند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۲۱۵). مردم‌نگاری توصیف عینی صرف نیست؛ زیرا هرگونه مواجهه با موضوع مستلزم فهم و تفسیر آن است و هرگونه توصیف نیز پرمبنای رویکردهای مفهومی ضمنی و صریح انجام می‌گیرد. مردم‌نگاری فعالیتی است که هدف آن ارائه واضح موضوعات از راه فراهم‌ساختن «زمینه‌ای روشن‌گر»^۳ و گویا برای آنهاست (گیرتز، ۱۹۸۳: ۱۵۲).

میدان مطالعه شهرستان سنندج (با اعضای فعال دارای بیش از هشت سال سابقه عضویت در جماعت دعوت و اصلاح) بود. جماعت دعوت و اصلاح ایران در بیش از چهارده استان، که جمعیت اهل تسنن دارند، همچون کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی، تهران، البرز، سیستان

1. Naturalistic
2. Contextual
3. Informing context

و بلوچستان، اردبیل، گلستان، خراسان شمالی، خراسان رضوی، هرمزگان، فارس و... فعالیت دارد و دفتر مرکزی آن در تهران است؛ بنابراین، به دلیل پراکندگی اعضای جماعت دعوت و اصلاح در استان‌های کشور، و با توجه به موضوع پژوهش، و اینکه روش کیفی ماهیت زمینه‌ای و تفریدی دارد، و اینکه دین و قومیت در کردستان به هم آمیخته‌اند و بر جایگاه زنان در جامعه تأثیر می‌گذارند، شهرستان سنندج به‌منزله‌ی میدان مطالعه انتخاب شد.

مردم‌نگاری، در تحلیل داده‌ها، به استقرای تحلیلی و نظریه‌ی مبنایی به‌مثابه‌ی راه‌بردی عام جهت تحلیل متعهد است و آن را سودمند می‌داند (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۶۰). در چارچوب نظریه‌ی مبنایی، پس از پیاده‌کردن مصاحبه‌ها، فرآیند کُدگذاری در دو مرحله‌ی باز و محوری انجام شد. در مرحله‌ی کُدگذاری باز، ابتدا، با برچسب‌زدن مفهومی به پاسخ‌های واقعی مصاحبه‌شوندگان، سلسله‌ای از مفاهیم استخراج شد. نام‌گذاری مفاهیم هم مستلزم نزدیکی آنها به متن است، و هم سطحی از انتزاعی بودن را ایجاب می‌کند، تا بتواند چند پدیده‌ی مشابه را در همان مصاحبه یا دیگر مصاحبه‌ها پوشش دهد. در ادامه، با مفاهیم استخراج شده، به سطح بالاتری از انتزاع رسیدیم. در مرحله‌ی کُدگذاری محوری، با مراجعه به داده‌ها و ادغام همه‌ی تعابیر و تفسیرها، ربط منطقی بین خرده‌مقولات و مقولات برقرار شد و با سیر مدام بین تفکر قیاسی و استقرایی، روابط مقولات با یکدیگر به‌دست آمد (استراس و کوربین، ۱۳۸۵).

در تحقیق حاضر از مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته برای گردآوری داده‌ها و از ره‌یافت نظریه‌ی مبنایی برای تفسیر یافته‌ها استفاده شده است. در این تحقیق از نمونه‌گیری نظری برای شناسایی، خلق و مرتبط‌کردن مفاهیم، جهت پرورش نظریه، و از معیار اشباع نظری، که از ویژگی‌های این نوع نمونه‌گیری است، جهت پایان‌دادن به جمع‌آوری اطلاعات، استفاده شده است. با توجه به این معیار، درباب تعداد مشارکت‌کنندگان در پژوهش تصمیم‌گیری شد. به‌این‌ترتیب، با انجام ۳۰ مصاحبه، اشباع نظری رخ داد و دیگر مطالب جدیدی از طریق مصاحبه‌ها استخراج نشد. روش انتخاب نمونه‌ها روش گلوله‌برفی بود. تلاش شد با افرادی مصاحبه شود که بیش از هشت‌سال سابقه‌ی عضویت در جماعت دعوت و اصلاح داشته باشند. برای به‌حداکثر‌سازدن تنوع در نمونه‌ها، با استفاده از این شیوه، از اعضای جماعت دعوت و اصلاح ساکن سنندج (از لحاظ جنسیت، وضعیت تحصیلی و پایگاه اقتصادی/ اجتماعی) نمونه‌گیری شد تا حداکثر تنوع لحاظ شود. بعد از مقوله‌بندی داده‌ها، دسته‌بندی و منظم‌کردن مقوله‌ها متناسب با متغیرهای موجود صورت پذیرفت و روابط بین مقوله‌ها با مفاهیم علوم اجتماعی بازسازی شد. درنهایت، با کُدگذاری باز ۱۵ مقوله و سپس با کُدگذاری محوری ۳

مقوله محوری استخراج شد. برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد از دو تکنیک اعتباریابی از سوی اعضا^۱ و تکنیک ممیزی^۲ بهره گرفته شد (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

اکثر مصاحبه‌شوندگان تحصیل کرده و شاغل‌اند. شاید جماعت دعوت و اصلاح ایران نمونه واقعی این اظهارات اسپوزیتو و وال باشد که می‌گویند: «در قرن بیستم، جنبش‌های جدیدی بر مبنای تأیید و تصدیق مجدد اسلام ظهور کرد... حامیان این جنبش‌ها نه بخش‌های محافظه‌کار جامعه، بلکه اغلب تحصیل‌کردگان مدرن و شاغلان در بخش‌های مدرن جوامع بودند» (اسپوزیتو، ۱۳۹۲: ۲۱). مصاحبه‌شوندگان را مردان تشکیل داده‌اند که بازتابی کلی از غیبت زنان در صحنه‌های اجتماعی-سیاسی کردستان است. از آنجاکه مؤسسان و افراد با سابقه جماعت دعوت و اصلاح مرد هستند و پژوهش حاضر نیز معطوف به مصاحبه با افراد با سابقه و فعال جماعت دعوت و اصلاح است که تجربه زیسته بیشتری داشته‌اند و نیز به دلیل نوباد بودن بخش زنان در ساختار جماعت، اکثر مصاحبه‌شوندگان پژوهش حاضر را مردان تشکیل داده‌اند. گستره سنی مصاحبه‌شوندگان ۳۴ تا ۶۰ سال است که از نظر سنی تنوع خوبی محسوب می‌شود.

داده‌ها و یافته‌ها

درباره مسئله زنان، در مجموع، سؤالاتی با این مضمون از مصاحبه‌شوندگان پرسیده شد: چه نقش و جایگاهی برای زنان در جامعه قائل هستید؛ وضعیت زنان را در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی در موقعیت فعلی کردستان چطور ارزیابی می‌کنید؛ دیدگاه شما درباره برابری جنسیتی چیست؛ در چه زمینه‌هایی قائل به برابری جنسیتی هستید؛ اگر زنان برای شغل قضاوت انتخاب شوند اشکالی دارد.

سؤالات کلی مزبور با هدف شناسایی درک و تصور اعضای جماعت دعوت و اصلاح از زنان و جایگاه آنان در اجتماع و سنخ‌شناسی بر مبنای این تصورات صورت‌بندی شده است. با کدگذاری باز اظهارات مصاحبه‌شوندگان، درباره سؤالاتی مربوط به زنان و نقش آنها در جامعه و به خصوص در کردستان، در مجموع، ۱۵ مقوله استخراج شد. برای دست‌یافتن به مقولات

1. Member Check

2. Auditing

محوری، کدگذاری محوری انجام دادیم. مقولات محوری استخراج‌شده در ادامه به تفصیل و با استناد به اظهارات مصاحبه‌شوندگان تشریح می‌شود.

جامعه‌پذیری جنسیتی

فراوانی مضامینی چون «باورهای سنتی»، «قبلاً هم وجود داشته»، «بافت سنتی»، «خصوصیاتی در مردان هست که در زنان وجود ندارد»، «مسائلی که از فرهنگ به درون دین آمده است» در متن مصاحبه‌ها، مؤید وجود سنت تبعیض‌آفرین بین زنان و مردان در کردستان و بازتولید آن در جامعه از منظر مصاحبه‌شوندگان است. مصاحبه‌شوندگان، ضمن اذعان به جایگاه فرودست زنان در کردستان، نابرابری جنسیتی را به سنت و فرهنگ سنتی و تفاوت‌های فیزیولوژیک نسبت می‌دهند و دین را در این زمینه تبرئه می‌کنند. این دسته از مصاحبه‌شوندگان، نه تنها خواهان بازگشت به آداب و رسوم و عرف در باب زنان نیستند، بلکه عامل اصلی تبعیض و ستم علیه زنان را عرف جامعه می‌دانند. مصاحبه‌شوندگان، با تأکید بر جامعه‌پذیری سنتی، فرهنگ متعارف در جامعه و به تبع آن، نابرابری جنسیتی در کردستان را زمینه‌بنیادین در برساخت جایگاه زن در جامعه می‌دانند. در همین زمینه، به چند نمونه از اقوال مصاحبه‌شوندگان، که ناظر بر مفاهیم پیش‌گفته است، پرداخته می‌شود:

زنان در کردستان تحت تأثیر عرف و سنت‌های قبیله‌ای و مذهبی قرار دارند و مشارکت آنها نسبت به مردان خیلی کم است و خودشان هم تابه‌حال آن اعتمادبه‌نفس را به‌دست نیاورده‌اند. مثلاً، در انتخابات کم مشارکت می‌کنند یا خود را کاندیدا نمی‌کنند و حتی اگر هم خود را کاندیدا کنند عرف جامعه هنوز آمادگی پذیرش آنها را ندارد (مصاحبه‌شونده شماره ۱۴).

به‌زعم محمد عبده، قواعد وضع‌شده برای زنان، از جمله قواعد مربوط به تعدد زوجات و طلاق، همچون دیگر آداب و رسوم «ارتجاعی» و «تحقیرآمیز»، که ملت‌های مسلمان را به وضعیت تأسف‌بار افکنده، از اسلام نمی‌آید، بلکه در فساد، و سوء‌پرداشتی ریشه دارد که در طول قرن‌ها اسلام را احاطه کرده است. احیای ملل مسلمان در گرو بازگشت به اصول اسلام است. این بازگشت روشن خواهد کرد که مواردی همچون طلاق، تعدد زوجات، و برده‌داری جزو اصول اسلام نیستند. برای مثال، تعدد زوجات فقط در آن روز جایز بوده است. البته، واضح است که آرمان قرآن تک‌همسری است (احمد، ۱۳۹۱: ۱۶۷). رویکرد مصاحبه‌شوندگان تا حدود زیادی بازنمای افکار محمد عبده درباره‌ی زنان و برابری جنسیتی است. سنتی که زنان را به‌دلیل

ویژگی‌های طبیعی در کهنتری مداوم نسبت به مرد ننگه می‌دارد، پیشینه شرقی دارد نه اسلامی (عنایت، ۱۳۹۲: ۱۶۹).

آگاهی‌بخشی

اغلب مصاحبه‌شوندگان به این مسئله اذعان کردند که امروزه با ارتقای سطح سواد و دانش عمومی به میانجی فناوری‌های نو ارتباطی و اطلاعاتی و عمومی، افق ذهنی و معرفتی زنان در خصوص نقش و جایگاهشان در اجتماع و خانواده و مسئولیت مردان هدف بازاندیشی واقع شده است. به‌زعم آنها، جنبش‌های مدافع برابری جنسیتی از جمله عناصر مهم دست‌پرورده مدرنیته است که در این زمینه نقش مؤثری داشته است:

امروزه، سطح آگاهی‌های عمومی مردم به‌واسطه رسانه‌ها بالا رفته و به‌صورت کلی زنان یا مردانی که سطح سواد و آگاهی بالای دارند، نسبت به حقوق زنان آگاه‌ترند. با توجه به همان فرهنگی که گفتم درمورد زنان وجود دارد، من وضعیت زنان را خوب نمی‌بینم، هرچند که دارد به‌طرف بهتر شدن می‌رود (مصاحبه‌شونده شماره ۲۵).

مصاحبه‌شوندگان، ضمن اذعان به پنداشت منفی زنان درباره توانایی‌های خود، به تأثیر رسانه‌ها، تحصیلات و جنبش‌های زنان در آگاهی زنان از حقوق خود اشاره کردند.

از اعتمادسازی تا نوگرایی دینی

در نیمه اول قرن بیستم، و هم‌زمان با تشکیل دولت‌ملت‌های مبتنی بر ایدئولوژی ناسیونالیستی و ظهور مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تهدید بنیان‌های جوامع سنتی و اسلامی از سوی ایدئولوژی‌های دست‌پرورده مدرنیته، احیای اسلامی و دموکراتیک‌سازی جامعه در کانون توجه قرار گرفت. یکی از این زمینه‌ها، که با تأخیر نیز به آن توجه شد، مسئله زنان بود. اگر به تاریخ اعطای حق رأی به زنان در چند کشور اسلامی نگاه کنیم، موضوع تاحدودی روشن‌تر خواهد شد: ایران و افغانستان در سال ۱۹۶۳، عراق در سال ۱۹۸۰، بحرین در سال ۲۰۰۲، اردن در سال ۱۹۷۴، و عربستان در سال ۲۰۱۱؛ یعنی زنان در بسیاری از کشورهای اسلامی از نیمه دوم قرن بیستم به حق رأی دست یافتند. گروه‌ها و جریان‌های اسلام‌گرا، همچون اخوان‌المسلمین و جماعت اسلامی، رویکردی نو درباب زنان اتخاذ کردند و حتی کسانی چون یوسف قرضاوی (۱۳۸۹)، از نظریه‌پردازان اخوان‌المسلمین، به حق قضاوت و ریاست‌جمهوری و نمایندگی پارلمان برای زنان قائل‌اند. جماعت دعوت و اصلاح هم، به‌مثابه یک جریان اسلامی فعال در جغرافیای ایران، با اتخاذ رویکردی مشابه، موافق اعطای حقوق

اقتصادی و اجتماعی بیشتر به زنان است. راه‌برد این جریان اسلامی در خصوص زنان شامل این موارد است: جلب نظر زنان در فضای آشفته فرهنگی-سیاسی به دلیل جداسدن مردم کردستان از بنیان‌های فرهنگ سنتی خود و هجوم نمادهای فرهنگی با قدرت رسانه‌ای و جذابیت بیشتر، مقابله با جذابیت‌های برنامه‌های ایدئولوژی ناسیونالیستی، لیبرالی و چپ درباب زنان گردد، و درنهایت، کنترل و ایجاد حصر اجتماعی با وساطت تفسیر جدید از متون دینی و برجسته‌کردن نارسایی‌های فرهنگ سکولار درباره زنان.

مصاحبه‌شوندگان، با اشاره به مواردی چون «جماعت برای زنان اهمیت خاصی قائل است، هیچ محدودیتی برای زنان قائل نیست، در درون جماعت نسبت به جامعه کردستان اهمیت زیادتری برای زنان قائل است، احساساتشان در بیرون از خانه تخلیه می‌شود»، به توجیه نوع برخورد و تفسیر جماعت دعوت و اصلاح با زنان در چارچوب تفسیر جدید از متون دینی-اسلامی می‌پردازند. اخوان‌المسلمین الگوبودن زنان غربی را برای زنان مسلمان نمی‌پذیرند و آنچه را مسلمانان امروز انجام می‌دهند نقد می‌کنند. ایشان اعتقاد دارند که غرب از زنان و جنسیت آنها برای افزایش سود استفاده می‌کند و تبلیغات با مدل‌های زیبایی یا فروشندگی زن، زنان را در خدمت سرمایه‌داری قرار می‌دهد (احمد، ۱۳۹۱: ۲۲۸):

جامعه زنان و کسانی به غلط، که برای دفاع از حقوق زنان وارد عمل شده‌اند، به جای حقی که به آنها برسانند، ضرری به ایشان رسانده‌اند؛ یعنی اگر ما بخواهیم زنان هم همان کار را انجام بدهند که مردان انجام داده‌اند، این ظلم در حق زنان است (گفته‌اند که کلاغ می‌خواست مثل کبک راه برود راه رفتن خودش هم یادش رفت). من معتقدم شرف زن در زنبودنش است، نه اینکه خودش را بشکند تا مثل مرد شود تا کارهای مرد را انجام دهد (مصاحبه‌شونده شماره ۳).

در واقع، رویکرد این گروه از مصاحبه‌شوندگان اعتمادسازی، و مواجهه و مقابله با رویکردهای غربی به موضوع زنان است که در فضای اجتماعی کردستان در حال گسترش است. علاوه بر نقد و مواجهه با رویکردها و گفتمان‌های غربی در خصوص زنان، رویکرد کلی اعضای جماعت در خوانش نقش زنان در جامعه، نقد نظام مردسالاری - پدرسالاری در کردستان با تفسیر مجدد و جدید متون اسلامی است. اسلام‌گرایان جدید، و به‌ویژه جماعت دعوت و اصلاح، با برجسته-ساختن اهمیت نقش مادری، تربیت‌کنندگی، شیردهی، خانواده سالم، احساسات عاطفی زنان، تفاوت‌های فیزیولوژیکی، تناسب بین وظایف و ساختار بدنی، حضور زنان در جامعه، و برابری حقوق زنان و مردان، درصدد مهم‌جلوه‌دادن جایگاه زن در خانواده و جامعه هستند؛ به‌عبارت دیگر، کاری که جماعت دعوت و اصلاح در این زمینه انجام می‌دهد، تفسیر نو از اعمال و کارهایی

است که نقش مادری و همسری را برجسته‌تر کند، درکنار ارائه فرصت‌های شغلی و اقتصادی به زنان، که امروزه به خواسته‌ای جدی در فضای عمومی تبدیل شده است. این رویکرد، از یک‌طرف، باعث جذب زنان کردستان به اسلام و دیدگاه‌های اسلامی شده است و، از طرف دیگر، از پذیرش الگوی زنانگی غربی درمیان زنان کُرد جلوگیری کرده است و با اعطای اختیارات به زنان و با انتقاد از نحوه مواجهه سنت حاکم بر کردستان با زنان، خود را مدافع حقوق زنان و مأمنی برای حضور و فعالیت اجتماعی آنها معرفی می‌کند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان درباره برابری جنسیتی و نحوه مواجهه اسلام با حقوق زنان چنین اظهار می‌کند:

در متون اسلامی که در زمینه و زمان خاص معیشتی و فرهنگی و تاریخی شکل گرفته‌اند، و نظر به اینکه جورها و بی‌عدالتی‌های فراوانی به زنان روا داشته شده است، حرکت اسلام گذار از جور زمانه به فراتر از عدل زمانه بوده است. آنچه اسلام در آغاز برای زنان به ارمغان آورد حاکی از تغییری اساسی بود و در خصال و ویژگی‌های انسانی آنان را با مردان برابر نهاد. برای نمونه، آیه پایانی سوره احزاب (مصاحبه‌شونده شماره ۲۳).

مصاحبه‌شوندگان، با نفی حجاب اجباری، چندهمسری، تبعیض میان دختران و پسران در خانواده‌ها، یکسان‌نبودن تکلیف دینی و اخلاقی برای زنان و مردان، مثلاً در زمینه نگهداری از والدین یا فرزندان، نان‌آوری خانواده، مشارکت در نماز جمعه و...، در واقع، درباب زنان رویکردی جدا از سنت‌های حاکم بر کردستان از نظر فرهنگی و دینی ارائه می‌دهند.

زنان در کردستان از دیرباز به دلیل حاکمیت نظامی مردسالار و پدرسالار به‌گونه‌ای اجتماعی شده‌اند که از دخالت در امور سیاسی و اجتماعی دورند. مفهوم جنسیت به لحاظ اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، درکنار متغیرهای قومیت، مذهب، و طبقه اجتماعی در کردستان متغیر مهمی بوده است؛ بنابراین، رویکرد و نگاه دینی به زنان، درکنار نگاه سنتی به زنان در کردستان، تلفیقی از دو رویکرد فرودست‌محورانه به زنان است که تبعیض مضاعفی را متوجه زنان کرده است. اگرچه در سال‌های اخیر با افزایش سطح تحصیل و آگاهی مردم تاحدودی وضعیت زنان بهبود یافته و شاهد حضور زنان در عرصه‌های مختلف جامعه هستیم، در زمینه‌هایی چون بخش خدمات، حضور زنان پررنگ‌تر از زمینه‌های سیاسی و اقتصادی است. اکثر جواب‌های مصاحبه‌شوندگان ناظر به بخشی از آیه ۲۲۸ سوره بقره بوده است: «زنان را نیز مانند وظایفشان حقوقی شایسته است».

سنخ‌شناسی رویکرد جماعت دعوت و اصلاح به زن و جایگاه او در جامعه

اگرچه مصاحبه‌شوندگان همگی عضو جماعت دعوت و اصلاح بودند، برداشتها و پنداشتهای متفاوتی در باب زن و جایگاه او در جامعه دارند که در سه سنخ تقسیم‌پذیر است:

رویکرد تناسب‌گرایی

این گروه از مصاحبه‌شوندگان به تناسب تکالیف با جنسیت قائل‌اند و تفاوت در نقش‌های جنسیتی را به تفاوت‌های جسمانی نسبت می‌دهند. اگرچه بنیان فکری این گروه، تفکرات اسلامی است، بنیان تبیینی آنها در خصوص تفاوت‌های جنسیتی، بیشتر صبغه زیست‌شناختی دارد. در واقع، تفاوت‌های زیست‌شناختی توجیهی برای تفاوت‌های اجتماعی و سلسله‌مراتب اجتماعی در میان مردان و زنان به‌شمار می‌آید. این دسته از مصاحبه‌شوندگان، با برشمردن تفاوت‌های زیست‌شناختی میان زنان و مردان، و نیز تفاوت مسئولیت‌ها و وظایف، درصدد توجیه نابرابری‌های اجتماعی-سیاسی میان زنان و مردان بودند و با اینکه به لزوم رعایت همان حقوقی برای زنان قائل بودند که در کتاب آسمانی مطرح شده است، ضمن برشمردن تعدادی از زنان صاحب‌منصب در صدر اسلام، نابرابری جنسیتی را به‌نفع زنان تعبیر می‌کردند. دربارهٔ برابری جنسیتی و رویکرد اسلام به برابری زن و مرد، یکی از مصاحبه‌شوندگان چنین اظهار کرده است:

من خودم مطالعات زیادی هم داشته‌ام در این زمینه. باور دارم که اسلام تمام حق و حقوق زنان را رعایت کرده و برابری کامل بین زن و مرد وجود دارد. ممکن است که مسئولیت‌ها فرق کند، مثلاً در مسئلهٔ ارث که مردان دوبرابر زنان ارث می‌برند، این به‌خاطر این است که مرد بایستی نفقهٔ زن را بدهد و به بچه‌هایش هم برسد، درحالی‌که زن چنین مسئولیتی ندارد (مصاحبه‌شونده شمارهٔ ۱۷).

اشاره به مقولات «مقصدانستن زنان، تفاوت‌های زیستی زن و مرد، و تفکیک نقشی»، در واقع، توجیه نابرابری جنسیتی به میانجی تبیین‌های زیست‌شناختی است. این دسته از مصاحبه‌شوندگان، با تعریف خاص خود از نقش و جایگاه زنان در جامعه و اذعان به ریشه‌های دینی-اسلامی برابری جنسیتی، بر این باورند که اگر تبعیض و نابرابری جنسیتی در کردستان وجود دارد، ریشه‌های آن در عرف و سنت است و اسلام بهترین مدافع حقوق زنان است و عمل به احکام اسلامی تضمینی برای احقاق حقوق از دست‌رفتهٔ زنان است؛ بنابراین، این شیوهٔ خاص دفاع از حقوق زنان ذیل «رویکرد تناسب‌گرایانه» تعریف می‌شود.

رویکرد سنت‌گرایی

آنچه در اظهارات برخی مصاحبه‌شوندگان دیده شد، نوعی اهتمام به حفظ و قوام‌بخشی به نهاد خانواده به‌مثابه زیربنای نظام اجتماعی در اسلام است. از این‌منظر، نوعی نگرانی درباره آزادی‌هایی وجود دارد که زنان در جوامع غربی از آن برخوردارند و در جامعه ایران نیز زنان به‌نوعی آن را مطالبه می‌کنند. از دیگر دغدغه‌های آنها، اذعان به این مسئله است که امروزه زنان و دختران الگوی اجتماعی فرزندان و پسران شده‌اند و روزبه‌روز هیئت مردان و پسران به هیئت زنان و دختران شباهت صوری پیدا می‌کند و مردانگی روبه‌زوال است. از همین‌رو، این دسته آسیب‌ها و مخاطرات اجتماعی و فرهنگی زن‌سالاری را گوشزد کرده‌اند. در واقع، رویکرد این دسته از مصاحبه‌شوندگان، رویکرد سنتی به مسئله زنان است که از ریشه‌های دینی و ملی برخوردار است. یکی از مصاحبه‌شوندگان وضع زنان را در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی در کردستان این‌گونه ارزیابی می‌کند:

به‌نسبت دارد خوب می‌شود، به‌دلیل حاکمیت سیستم قبیله‌ای و عشیرتی که قبلاً حاکم بوده است، که در بعضی از خانواده‌ها هنوز دیده می‌شود و از طرف دیگر این دیدگاه فمینیستی در جامعه باعث نوعی بی‌تعادلی شده است. البته، نوعی تعادل بایستی برقرار شود نه به آن شکل سنتی و نه به آن شکلی که کاملاً خانواده‌ها زنانه شود (مصاحبه‌شونده شماره ۱۸).

این رویکرد به زنان در میان اعضای جماعت دعوت و اصلاح‌واکنشی به تهاجم فرهنگ غربی به خانواده و زنان در فرهنگ کردستان است. قائلان به این دیدگاه، مردان مسن و زنان میان‌سال دارای تحصیلات حوزوی و لیسانس بودند. این سنخ خواهان اعطای حقوق مصرح در قرآن به زنان بودند، ولی درعین‌حال به مساوات و برابری حقوق زن و مرد از نظر اقتصادی و ارث‌پافشاری نمی‌کنند و برای توجیه این رویکرد به آیات قرآن و احادیث و روایت استناد می‌کنند.

رویکرد اخلاق‌گرایان اسلامی

از منظر مصاحبه‌شوندگان، درک مساوات‌طلبانه از جنسیت در دیدگاه اخلاقی-اسلامی، با رویکرد سلسله‌مراتبی به‌ارث‌مانده از گذشته میان دو جنس در تعارض است. نهادینه‌کردن ساختار برابری‌طلبی، عنصر ثابت تعابیر اخلاقی قرآن است. این گروه از مصاحبه‌شوندگان، با اذعان به نابرابری جنسیتی، خواهان اعطای برابری و آزادی بیشتر به زنان در جامعه بودند و در این‌زمینه به آیات قرآن استناد می‌کردند.

«یکی از ویژگی‌های درخور توجه قرآن، به‌ویژه در قیاس با متون مقدس در دیگر سنت‌های یکتاپرستی، آن است که زنان صراحتاً مخاطب واقع شده‌اند. در یکی از این موارد هم ساختار آیه و هم اظهار صریح آن، برابری مطلق اخلاقی و معنوی میان زن و مرد را اعلام می‌کند» (احمد، ۱۳۹۱: ۸۶).

«همانا مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان مؤومن و مردان و زنان راست‌گو و مردان و زنان فرمان‌بردار و مردان و زنان شکیبیا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان نیکوکار و مسکین‌نواز و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان حافظ عفت و خوددار و مردان و زنانی که یاد خدا بسیار می‌کنند، خداوند بر همه آنها آموزش و پاداش بزرگ مهیا ساخته است» (احزاب/۳۵).

در آیات قرآن نیز برابری زنان و مردان در موارد متعدد یادآوری شده است. اشاره به مقولات «ضرورت تغییرات نهادی، مساوات‌طلبی جنسیتی، تاریخی‌بودن بی‌عدالتی جنسیتی، برابری‌طلبی عنصر ثابت تعابیر اخلاقی قرآن، به‌رسمیت‌شناختن حقوق اساسی زنان، برابری مطلق اخلاقی و معنوی»، به‌نوعی، بر اندیشه‌ها و دغدغه‌های فمینیسم اسلامی نیز دلالت دارد «فمینیسم اسلامی، ضمن اذعان به انطباق آموزه‌های فمینیسم با اسلام، خواستار بازاندیشی در برخی سنت‌های مردسالار و نقد رویه‌های غیرمنصفانه علیه زنان است» (محمدی و حاضری، ۱۳۹۵: ۵). یکی از مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به این پرسش که نقش و جایگاه زنان در جامعه چگونه باید باشد، این‌گونه اظهار می‌کند:

زنان مریبان اصلی جامعه‌اند، نیمی از جامعه انسانی‌اند، باید حقوق اساسی آنان یعنی آزادی و حق مالکیتشان به‌رسمیت شناخته شود. از لحاظ اقتصادی نباید به مرد وابسته باشند و زمینه شکوفایی آنان نیز توسط نهادهای قدرت و تعلیم و تربیت باید فراهم شود (مصاحبه‌شونده شماره ۲۳).

اینگلهارت و نوریس (۱۳۸۹) تفاوت اصلی بین اسلام و تفکر غربی را، به‌طور کلی، در نحوه برخورد با مسئله زنان می‌دانند؛ بنابراین، نحوه مواجهه احزاب و جریان‌های امروزی با زنان، به‌منزله بخشی از جامعه انسانی، تأثیر زیادی در بازنمایی آن جریان در جهان ذیل دسته‌بندی‌های بنیادگرا، نوگرا یا افراطی دارد. قائلان به این رویکرد اغلب تحصیل‌کرده کارشناسی‌ارشد و دکتری، و خواهان برابری و مساوات در اموری چون کار در خانواده، اشتغال و درآمد و حقوق اجتماعی بودند و دیدگاهی فمینیستی در چارچوب آموزه‌های اخلاقی اسلام در باب حقوق زنان داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

نابرابری و تبعیض پدیده‌ای عملی به قدمت تاریخ است که در جوامع انسانی به‌شیوه‌های مختلف تولید و بازتولید شده است. بازتولید تبعیض، اگرچه به‌صورت نامحسوس و متعمدانه از سوی نظام‌های مردسالار/ پدرسالار در دوره‌ها و زمان‌های مختلف و درمیان اقوام گوناگون، تداوم داشته است، در چند دهه اخیر، با رویش مدرنیته و عناصر مرتبط با آن، با مقاومت مدافعان حقوق زنان مواجه شده و در نتیجه اعطای امتیازاتی به زنان را در پی داشته است. کردستان، با نظامی مردسالار، که هنوز هم به‌دلیل حاکمیت غالب اقتصاد کشاورزی و دام‌داری و اقتصاد مرزی و نظام اجتماعی قبیله‌ای و عشیره‌ای، شاهد تبعیض آشکار و نابرابری جنسیتی است، وضعیت زنان کُرد در زمینه اجتماعی-سیاسی نسبت به اقوام هم‌جوار بهتر است، اما نقش و جایگاه زنان در زمینه‌های گوناگون با مردان مقایسه‌پذیر نیست. در چند دهه گذشته، با ورود عناصر فرهنگی مدرنیته، از جمله تحصیل زنان، رسانه‌های ارتباط‌جمعی و افزایش شهرنشینی و اشتغال زنان به‌منزله نیروی مزدبگیر، شکاف جنسیتی در کردستان تا حدودی کمتر شده است. جریان‌های اسلام‌گرا از اوایل قرن بیستم، در مواجهه با پیامدهای مدرنیته، در زمینه‌های اجتماعی و دینی شروع به بازسازی و بازخوانی متون و احکام دینی کردند. نتیجه این بازخوانی شکل‌گیری جریان‌های اسلامی با تفسیر مدرن از اسلام نظیر اخوان المسلمین در مصر یا جماعت اسلامی در پاکستان بود. در کردستان هم، در دهه پنجاه شمسی، جریان‌های اسلام‌گرا، نظیر مکتب قرآن، و جماعت دعوت و اصلاح، شکل گرفت که رویکرد جدیدی به مسائل دینی، اجتماعی و سیاسی داشتند. در کتابچه «جماعت دعوت و اصلاح ایران؛ رویکردها و راه‌کارها»، در صفحه ۲۷، ذیل رویکرد حقوق بشر به مسئله زنان پرداخته شده است:

«در جامعه ما، هرچند انسان به‌طور کلی تحت ستم و نقض حقوق حقوق قرار می‌گیرد، اما زنان و اقلیت‌ها - هریک در عرصه‌ای و به‌گونه‌ای - مورد ستم و نقض حقوق مضاعف قرار می‌گیرند و اعتلای حقوق آنان باید در سرلوحه برنامه‌های اجرایی قرار گیرد و سعی شود محیطی انسانی‌تر برای آنان فراهم آید.»

در این پژوهش، رویکرد جماعت دعوت و اصلاح به یکی از مهم‌ترین مسائل و جنبش‌های قرن بیستم، یعنی مسئله حقوق زنان و نقش آنها در جامعه، کاویده شد. این پژوهش به‌شیوه مردم‌نگاری و با انجام مصاحبه با اعضای فعال با سابقه هشت‌سال عضویت در جماعت دعوت و اصلاح ساکن شهر سنندج اجرا شد. بعد از مصاحبه، داده‌ها دسته‌بندی و کدگذاری شد و بعد از کدگذاری باز داده‌ها، در مجموع، ۴۳ مفهوم مرتبط استخراج شد و بعد از مقوله‌بندی این

مفاهیم، ۱۵ مقوله فرعی استخراج شد. با کدگذاری محوری، در مجموع، ۳ مقوله محوری جامعه‌پذیری جنسیتی، آگاهی‌بخشی، و اعتمادسازی تا نوگرایی دینی استخراج شد. بر مبنای تحلیل داده‌های میدانی و از منظر اعضای جماعت دعوت و اصلاح، جایگاه زنان در جامعه، که آمیخته با نابرابری است، ساخته و پرداخته عرف و دید تاریخی به زنان، و فرهنگ خانواده‌هاست و با ورود عناصر مدرنیته، ارتقای سطح آموزش و تحصیل زنان، گسترش جنبش‌های مدافع زنان و بهره‌مندی از مجراهای جدید ارتباطی و اطلاعاتی، جایگاه زنان در جامعه هدف بازاندیشی قرار گرفته است. جماعت دعوت و اصلاح، ضمن نقد و واکاوی نظام مردسالار حاکم بر کردستان و رویکردهای غربی و ناسیونالیستی کردی، تفاسیر تازه‌ای از جایگاه و وضعیت زنان در کردستان ارائه کرده است. در نهایت، این جریان مذهبی، با اتخاذ رویکردی جدید و متمایز از رویکرد اسلام سنتی به زنان، در صدد اعطای حقوق بیشتر به زنان در زمینه‌های گوناگون است.

نگاه اعضای با سابقه جماعت دعوت و اصلاح به زنان، رویکردی دفاعی در قالب مفاهیم دینی به حقوق زنان دارد. از منظر اعضای جماعت، در جامعه، و مخصوصاً در گذشته، وضعیت و سرنوشت زنان با ستم و بی‌عدالتی آمیخته بوده است، اما این بی‌عدالتی از اسلام سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه اسلام در درون فرهنگ سنتی و شرقی‌ای، که به زنان ستم روا داشته است، از دفاع از حقوق زنان برآمده و توازنی بین وظایف و مسئولیت‌ها و توانایی‌های مرد و زن برقرار کرده است و بدین ترتیب، در قالب اسلام، حقوق زنان بهتر رعایت می‌شود.

مقوله هسته‌ای مطالعه حاضر، برای چنین رویکردی به زنان، ذیل نوعی «گذشته‌نگری انتقادی» تعریف می‌شود. رویکرد گذشته‌نگری انتقادی به بسترهای سنتی-دینی در زمینه زنان و نحوه مواجهه با مسئله زنان انتقاد دارد و اعمال آنها را خارج از برداشت صحیح از اسلام می‌داند؛ به بیان دیگر، آنها وضعیت فرهنگی-اجتماعی حاکم بر کردستان را به سنت یا برداشت‌های نادرست از اسلام نسبت می‌دهند. جماعت دعوت و اصلاح، به مثابه جریان اسلام‌گرای غالباً تحصیل‌کرده شهری و طبقه متوسط، با اتخاذ چنین رویکردی به زنان و با درک وضعیت جهانی و محلی، از رویکردهای سنتی فرهنگی-دینی در مواجهه با زنان دوری جسته و با اعطای حقوق بیشتر به زنان و با تفاسیرهای نو از متون دینی، مخصوصاً با دخالت‌دادن زمان و بسترهای اجتماعی، راه را برای دادن حقوق بیشتر به زنان باز گذاشته است. از این رو، نوگرایی یکی از رویکردهای اصلی جماعت دعوت و اصلاح به شمار می‌رود که مسیر و مجرای تحقق آن اجتهاد است.

درکنار تصدیق اهمیت نقش مادری، همسری، و بچه‌آوری و در مواجهه با رویکرد فمینیستی، جماعت دعوت و اصلاح قائل به اعطای امتیازات اجتماعی-اقتصادی بیشتر به زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی است. در سنخ‌شناسی جماعت دعوت و اصلاح نسبت به نقش زنان در جامعه به‌طور کلی سه سنخ تناسب‌گرایی، سنت‌گرایی، و اخلاق‌گرایی اسلامی استخراج شد. دیدگاه‌های متفاوتی درباب زنان و مسئله برابری جنسیتی در میان صاحب‌شوندگان وجود دارد، اما در بن‌مایه اظهارات اکثر صاحب‌شوندگان، می‌توان رویکرد نوگرایانه و متمایز از عرف و سنت را به مسئله زنان در کردستان مشاهده کرد.

سنخ سنت‌گرایی، با اهتمام به خانواده، به‌مثابه زیربنای نظام اجتماعی در اسلام، برای خانواده تقدم و اولویت قائل است. سنخ تناسب‌گرایی، قائل به اعطای ارث و حقوق اقتصادی به زنان است و برای زنان حق استقلال اقتصادی در نظر می‌گیرد، اما کمتر با اعطای حقوق برابر به زنان و مردان در زمینه اجتماعی موافق است و به تناسب جنس و وظائف معتقد است. درنهایت، سنخ اخلاق‌گرایی اسلامی، علاوه بر حوزه خانواده و اقتصاد، به اعطای حقوق به زنان در عرصه اجتماعی و سیاسی معتقد است.

اهتمام به خانواده، نقد و سازانده عرف و سنت، دفاع از حقوق زنان، توجه به جامعه‌پذیری سنتی، زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نابرابری جنسیتی از مختصات مشترک سنخ‌های سه‌گانه است و از این منظر، نوعی نوگرایی در این جریان اسلام‌گرا دیده می‌شود. اما در نزد اخلاق‌گرایان اسلامی، اعتدالی جایگاه زنان در جامعه در ابعاد فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هدف ویژه است. مطالعه عبادی (۱۳۹۱) نیز مؤید نواندیشی درباب حقوق زنان در جماعت دعوت و اصلاح است. اکثر اعضای این جماعت نوگرای میانه‌رو به‌شمار می‌آیند.

با تأسی از مطالعه محمدی (۱۳۹۲) توجه سنخ اخلاق‌گرایی اسلامی به ستم و نقض مضاعف حقوق زنان و تأکید بر اقلیت‌بودن و به‌حاشیه افتادگی زنان، مؤید آن است که زنان در میدان مطالعه با اختلال در به‌رسمیت‌شناخته‌شدن مواجهند، نادیده انگاشته می‌شوند و مراجع اقتدار سیاسی، سنتی و عرفی با آنها رفتار نابرابر دارند. تأکید بر حقوق زنان در مقام زن و لزوم حمایت ویژه از نقش اجتماعی زن در مقام «مادر»، «همسر» و «دختر»، اذعان به نابرابری در به‌رسمیت‌شناسی و تبعیض علیه زنان است.

منابع

احمد، لیلیا (۱۳۹۱) *زنان و جنسیت در اسلام*، ترجمه فاطمه صادقی، تهران: نشر زنان و قوانین در جوامع مسلمان.

- اسپوزیتو، جان آ. وال (۱۳۹۲) جنبش‌های اسلامی معاصر (اسلام و دموکراسی)، ترجمه شجاع احمدوند، تهران: نی.
- استراس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۸۵) اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌های مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اینگلهارت، رونالد و پیپا نوریس (۱۳۸۹) مقدس و عرفی (دین و سیاست در جهان)، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- براهنی، رضا (۱۳۵۶) تاریخ مذکر، علل تشتت فرهنگ در ایران، تهران: علمی.
- جماعت دعوت و اصلاح ایران (۱۳۹۴) مرام‌نامه و اساس‌نامه جماعت دعوت و اصلاح، مصوب کنگره چهارم، ۲۱ و ۲۲ مرداد ۱۳۹۴.
- بروین سن، مارتین وان (۱۳۸۷) «از عادلۀ خانم تا لیلیا زانا؛ زنان در جایگاه رهبران سیاسی گرد»، ترجمه حمزه محمدی، فصلنامه زیربار، شماره ۵۶-۵۷: ۲۵۶-۲۷۳.
- رایس، کلارا کولیور (۱۳۸۳) زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان، ترجمه اسدالله آزاد، تهران: کتابدار.
- رستم‌پور، سمیه (۱۳۹۵) «زنان مهمانان ناخوانده مجلس پدرسالاری روشنفکری کردستان»، ژیلوان، شماره ۸: ۴۵.
- رسول‌پور، خبات (۱۳۹۲) تبیین جامعه‌شناختی شکل‌گیری جماعت دعوت و اصلاح ایران و تحول گفتمانی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی.
- روا، الیویه (۱۳۷۸) تجربه اسلام سیاسی، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی و حسین مطیعی‌امین، تهران: الهدی.
- رید، اولین (۱۳۸۰) آزادی زنان، ترجمه افشنگ مقصودی، تهران: گل‌آذین.
- سلامی، نذیر احمد (۱۳۷۹) نگاهی کوتاه به جایگاه زن در اسلام، زاهدان: ندای اسلام.
- شارون، جوئل (۱۳۹۴) ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- صادقی، حسین؛ تقوی، علی (۱۳۸۱) «نگاهی به جایگاه زن در اسلام»، مبلغان، شماره ۳۲: ۳۲-۴۳.
- عبادی، محسن (۱۳۹۱) مطالعه جامعه‌شناختی جماعت دعوت و اصلاح ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.
- عنایت، حمید (۱۳۹۲) اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: خوارزمی.
- فاطمی، عباس (۱۳۸۴) تأملی بر مشارکت سیاسی- اجتماعی زنان، قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۳۲-۱۳۸۰)، تهران: نشر رمز.
- فریدمن، جین (۱۳۸۹) فمینیسم، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: آشیان.
- قرضاوی، یوسف (۱۳۸۹) «مصاحبه با شبکه ماهواره‌ای (أنا) با موضوع بررسی حقوق زنان در اسلام» (www.islahweb.org)، تاریخ دسترسی: ۱۳۸۹/۰۱/۲۴.
- کینان، درک (۱۳۷۶) کردها و کردستان، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نگاه.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹) روش در روش: درباره ساخت معرفت در علوم انسانی، تهران: جامعه‌شناسان.

محمدی، بیوک (۱۳۸۷) درآمدی بر روش تحقیق کیفی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

محمدی، نعیم (۱۳۹۲) تبیین جامعه‌شناختی جنبش زنان در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی، رساله دکتری جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

محمدی، نعیم و علی‌محمد حاضری (۱۳۹۵) «تأملی نظری درباب موانع توسعه فمینیسم اسلامی»، جامعه‌شناسی ایران، شماره ۵۴: ۳-۲۴.

نصیری، مهدی (۱۳۸۱) جایگاه اجتماعی زن از منظر اسلام، تهران، کتاب صبح.

واعظی، محمدجواد؛ جباری، محمدرضا (۱۳۸۹) نگاهی تاریخی به وضعیت زن در اسلام، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۲۶، ص ۱۴۳-۱۶۴.

Geertz, C (1983) "The Way We Think Now: Toward an Ethnography of Modern Thought". In *Local Knowledge: Further Essays in Interpretive Anthropology*. New York: Basic Books

Moghadam, Valentine (2005) *Islamic Feminism: its Discontents and its Prospects*. *International Congress on Islamic Feminism*, Barcelona, Spain, October 29, www.islamicfeminism.org.

